

آچارکشی

فارسی‌ش کنیم حله استاد؟

● **بوريا عالمي**: همه دانشمندان جهان هم عقلشان را روی هم می‌ریختند نمی‌توانستند ریشه مشکلات جهان را حل کنند. خوشبختانه در آخرین اقدامات و اکتشافات صورت‌گرفته‌ته‌تها ریشه مشکلات ما مردم، که ریشه مشکلات اقتصادی و تورم و گرانی، ریشه مشکلات اجتماعی و فقر و اعتیاد و بزهکاری و... ریشه مشکلات جوانان از جمله شغل و تحصیل و مهاجرت و... ریشه سوراخی لایه ازن، ریشه ترافیک دوربرگردان زیر پل پارک‌روی، ریشه مشکل اساسی چکه‌کردن آب کولر مردم روی سر ما در پیاده‌روها و دیگر مشکلات اساسی جهان توسط یکی از نمایندگان مجلس کشف و سریعاً ختنی‌سازی شد. امروز افتخار اعلام کشف این مشکلات توسط ستون آچارکشی ثبت خواهد شد. - حتی فروشگاه‌هایی پیدا شده‌اند که فاکتور انگلیسی به مشتری تحویل می‌دهند (او/اوخ... یعنی این مشکل نمی‌گذارد ما شب‌ها راحت بخوابیم و تا صبح فاکتور فروشگاه می‌آید جلو چشمان).

- و گاهی کل فهرست غذای آنها هم به زبان انگلیسی است. (اوه‌اوه... ما تا الان گشته مانديم نگو دلبش این است که فهرست غذا را به انگلیسی می‌نوشتند. اگر منوها فارسی شود مسئله گرسنگی ما هم حل می‌شود گویا).

- حتی بلیت‌های هواپیمای ما به زبان انگلیسی شده است گرچه در اینجا علاوه بر وزارت ارشاد، وزارت راه هم مسئولیت دارد. (همه مسئول هستند.

اگر دانشمندان دست به دست هم بدهند و بلیت‌های هواپیما را به فارسی صادر کنند، دیگر در پروازها نه سقوط داریم نه تاخیر. می‌گویید نه؟ فارسی‌ش کن بیین).

- تابلوها در بعضی نقاط شهرهای بزرگ و شهرهایی در غرب مازندران به‌گونه‌ای است که گویی در یکی از شهرهای اروپا هستیم. (حالا اگر مسئله امنیت در جاده‌ها و تلفات جاده‌ای و استانداردهای جاده‌ها و خودروها را بخواهیم حل کنیم که کمتر در جاده جان بدهیم، باید تابلو را فارسی کنیم؟ حل است یعنی استاد؟)

اتفاق

روز بزرگ کتاب‌گردی

● این‌بار دعوت به حضور در کتاب‌فروشی‌های شهر و اهمیت به کتاب محدود به تهران نشده و حتی دامنه آن به شهرهای دیگر ایران نظیر قم، مشهد، شیراز، نیشابور و... هم رسیده است. امروز اهالی فرهنگ و سیاست و ورزش به سراغ کتاب‌فروشی‌ها می‌روند.

کودکان هم سهمی دارند

چند کتاب‌فروشی خاص کودکان برای پنجشنبه برنامه چیده‌اند مانند شهرکتاب هفت‌چنار که میزان داوران گوزن زرد است و شهرکتاب هفت‌حوض که میزان نویسندگان کودک و نوجوان

نظیر محمود برآبادی، حدیث غلامی و عدرا جوزدانی است و رونمایی کتاب «نی‌نی‌آموز» هم در آنجا برپاست.

روحانیون ومسئولان

روحانیون و مسئولان به کتاب‌فروشی‌ها می‌روند. علی جنتی در برخی از کتاب‌فروشی‌ها حاضر می‌شود. سیدعلی صالحی، معاون فرهنگی، نیز در مشهد به کتاب‌فروشی می‌رود. همچنین آیت‌الله سبحانی، در مجتمع تاشر قم حاضر می‌شود و درعین‌حال کانون نویسندگان قم، اتحادیه ناشران قم و تعاونی ناشران قم نیز برنامه‌هایی را با حضور جمعی از نویسندگان و پژوهشگران تدارک دیده‌اند. آیت‌الله ابراهیم امینی، عضو جامعه مدرسین حوزه و خطیب نماز جمعه قم، آیت‌الله علوی‌بروجردی، از استادان برجسته حوزه علمیه قم، آیت‌الله یثربی و جمعی دیگر از علما و روحانیون نیز پنجشنبه ۲۸ آبان در انتشارات انصاریان، یکی از قدیمی‌ترین انتشاراتی‌های قم، حاضر می‌شوند. آیت‌الله نجم‌الدین طیبی، آیت‌الله حسینی‌صدر، حجت‌الاسلام فلاح‌زاده، علی‌اصغر رضوانی، محمدباقر انصاریان و جمعی از نویسندگان و طلاب قم پنجشنبه به انتشارات «دلیل‌ما» در شهر قم می‌روند. اهل قلم و مقامات شهر نیشابور هم با حضور در کتاب‌فروشی‌های این شهر به فراخوان کتاب‌گردی پاسخ مثبت دادند. کتابخانه‌های شهر نیشابور نیز برنامه‌های جداگانه‌ای با حضور فرماندار و... برپا می‌کنند.

بزه‌شنگران

انتشارات سحاب نیز از ساعت ۱۶ تا ۱۸میزبان هوشنگ قاسمی، هوشمند فیتی، فرهاد تهرانی، محمدرضا سحاب، محمودیان است. الهه کولایی، استاد علوم سیاسی، نیز امروز در این برنامه شرکت می‌کند.

مرکز و ونک و فرشته

هرکوشه‌تهران که بروید فردا برنامه‌ای برپاست، نشر مرکز در خیابان باباطاهر میزان چهره‌هایی چون بابک احمدی، مصطفی مستور و جعفر مدرس‌صادقی است و انتشارات محراب قلم در ونک نیز میزان‌ها غلامرضا امامی، شهرام اقبال‌زاده و مهدی ضراعلمیان است.

افتتاح‌افزار

کتاب‌فروشی انتشارات افراز با عنوان «کتاب‌فروشی تخصصی هنر و ادبیات افراز» در خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پاساژ دانشگاه، طبقه منهاییک افتتاح می‌شود و کتاب‌ها را با تخفیف در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه «۲۸ آبان ۱۳۹۴» ۷ صفر ۱۴۳۷» ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵
سال سیزدهم «شماره ۲۴۵۲» ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰
اذان مغرب ۱۷:۱۵
اذان صبح فردا ۵:۱۷
طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنارنرا

کارتون خواب

فیروزه مظفری

firoozeh.mozaffari@gmail.com

افزایش آمار طلاق در تهران



تجربه دیگران

نقش روزنامه‌های اصلاح‌طلب

در پوشش رخدادهای پاریس و بیروت

جوسف کالب»

یکی از عواملی که مرا به سمت ایران جذب کرد، جایگاه استثنایی این کشور در سیستم روابط بین‌المللی است. در ذهن من ایران کشوری بود با آرمان‌های قوی که جلو ظلم‌هایی که علیه گروه‌های مظلوم انجام می‌شود، برپا ایستد. از آنجا که چندسال در شهر تهران زندگی کرده‌ام، این تصویر تا حدی تغییر کرده است. متوجه شدم که حتی در خود ایران انسان‌ها و گروه‌های فراوانی وجود دارند که به‌سختی حقوق خودشان را به دست می‌آورند. درعین‌حال نظر من نسبت به ایران همچنان خوش‌بین باقی مانده است. به‌خصوص برای نقش رسانه‌ها در ایران احترام زیادی قائل هستم. از آنجایی که دولتمداری و سیاست‌مداری بلااستثنا باعث تخلفات و نادیده‌گیری‌ها از برخی گروه‌ها می‌شود، رسانه‌ها از میدان سیاست جدا قرار می‌گیرند و مستقلانه نظیرپردازی می‌کنند. از طرف دیگر حس کردم که فشار مالی تأثیر بسیار منفی روی شیوه کارکردن رسانه‌های غربی گذاشته است. اکثر روزنامه‌های غربی روی اطلاعاتی که از دو، سه‌تا شرکت می‌خرند، تکیه می‌کنند. می‌توانیم از شرکت‌هایی مانند آسوشیتدپرس و روتیزر اسم ببریم. اولویت این شرکت‌ها جمع‌کردن خبر در آن مناطقی است که فروش بهتری داشته باشد. به این دلیل که اکثرا از رسانه‌های غربی درآمد دارند، بیشتر روی کشورهای توسعه‌یافته متمرکز می‌شوند. البته رسانه‌های ایران هم مجبورند از اطلاعات این چندتا شرکت استفاده کنند. رسانه‌های ایران برای جمع‌آوری اخبار از تمام اقضا نقاط دنیا نه سرمایه کافی دارند نه شبکه خبرنگاری‌ای که به این اندازه گسترده باشد. اما به نظر اینجانب رسانه‌های ایران و به‌خصوص روزنامه‌ها اثر بسیار مثبتی داشته‌اند. رسانه‌های ایران همیشه تلاش بر آن داشته‌اند که متصفانه به اخبار جهانی بپردازند. وقتی که روزنامه‌های غرب درباره اتفاقی که مثلا در زمبابوه می‌افتد، حتی یک جمله هم نمی‌نویسند، احتمال دارد که روزنامه‌های ایران به آن اشاره کنند. به این دلیل که نسبت به روزنامه‌های ایرانی امید بسیاری داشتم، یک‌سال در روزنامه ایرانی «فانیسل‌تریون» کار کردم. به‌عنوان یک هلندی، انگلیسی من بد نیست و

♦ **جوسف کالب، دانشجوی دکترا در دانشگاه آکسفورد، یک‌سال برای روزنامه فانیسل‌تریون کارکرد و تشر را درباره سیاست‌های اقتصادی در ایران می‌نویسد. توضیح: شرق خبر حادثه لبنان را در صفحه جهان به طور مفصل پوشش داده است.**

توضیح

دیروز گزارشی با عنوان «کیود مثل کودک‌آزاری» در صفحه ۲۰ منتشر شد که عکس آن سبب

احمد پوری، نویسنده و مترجم آثار جهانی نویسندگان و شاعرانی چون آنا آخمانوا، پابلو نرودا، لورا،کا. ناظم حکمت و خزار قبانی است که امسال نیز به فراخوان احمد مسجدجامعی برای کتابگردی روز ۲۸ آبان پاسخ داد.

آیا برنامه‌هایی از این دست می‌تواند روی فرهنگ

کتاب‌خوانی مردم جامعه ما تأثیرگذار باشد؟ من فکر می‌کنم که تأثیر می‌گذارد اگرچه که شاید راه‌حل نباشد اما می‌تواند راه دوستی و آشتی مردم با کتاب را هموار کند. اینکه جمعیتی در یک روز خاص در کتاب‌فروشی‌ها جمع شوند، نویسندگان، مترجمان، شاعران و دست‌اندرکاران چاپ و نشر کتاب‌های موردعلاقه خود را ببینند، از آنها امضا بگیرند، عکس یادگاری بگیرند و با هم حرف بزنند به نظر راه خوبی برای ارتباط میان مخاطب و کتاب و دست‌اندرکاران

خلاص مبحث

از دنیای واقعی برو بیرون



مرضیه رسولی

هر اتفاقی که می‌افتد، اولین کسانی که فراموش می‌شوند بچه‌ها هستند (اگر خود قربانی آن اتفاق نباشند). بچه‌ها در رسانه‌های ایران موضوعیت ندارند. بیشترین حضورشان در صفحه حوادث روزنامه‌هاست، ممکن است موضوع آسیب‌شناسی‌های اجتماعی باشند یا وقتی که مناسبتی مثل روز کودک در جریان است. فکر می‌کنیم بعضی موضوعات مختص بزرگ‌سالان است و به بچه‌ها ارتباطی ندارد و اصلا نباید موضوع ذهن بچه‌ها باشد و سریع باید آنها را از این موضوعات دور کنیم و به جای امن همیشگی‌شان برگردانیم. بیشتر سؤال‌هایی که بچه‌ها می‌پرسند با چنین جوابی سروتوش هم می‌آید: «بزرگ میشی خودت می‌فهمی»، یا وقتی می‌خواهند قیمت چیزی را بدانند، جواب می‌شوند: «نگران این چیزا نباش، این مسائل تا وقتی بزرگ نشدی به تو ارتباطی نداره». برای خیلی از ما‌ها جواب‌دادن به بچه‌ها آن‌قدر مسئله مهمی نیست که از قبل دربار‌هاش فکر کنیم و پرس‌وجو کنیم تا بهترین پاسخ را بدهیم. خیلی‌وقت‌ها هم می‌ترسیم توضیحی که به آنها می‌دهیم تأثیر بدی بگذارد، بترساندشان و نگران و آشفته‌شان کند. بنابراین از توضیح‌دادن طفره می‌روییم یا حوصله نداریم و فکر می‌کنیم سؤال مهمی نیست و اگر جواب ندهیم به فراموش‌شدنش کمک کرده‌ایم. اعتقاد داریم بچه باید فقط درگیر اسباب‌بازی‌ها و موسیقی و کارتون‌ها باشد و از دنیای خود بیرون نیاید. تمام تلاش‌مان این است که خودمان آن دنیا را برای او سازیم و عایق‌بندی کنیم و پنجره‌هایش را حسابی با پرده‌ها ببوشانیم. ولی به قول دکتر دلتو، متخصص کودکان در آمریکا که در سال ۱۹۷۶ در برنامه‌ای رادیویی به سؤال‌های والدین درباره بچه‌ها پاسخ می‌داد، بچه‌ها در مریخ زندگی نمی‌کنند، آنها در همان دنیایی زندگی می‌کنند که ما زندگی می‌کنیم. او می‌گفت بچه‌ها به شادی مداوم نیاز ندارند، آنها نیاز دارند بفهمند در اطرافشان چه می‌گذرد. چپرا را نپرک نزدیکان را پنهان می‌کنیم و می‌گوییم به یک سفر بلند رفته‌اند؟ رفته‌اند؟ به آسمان؟ دکتر دلتو به والدین توصیه می‌کرد بچه‌ها را به تشییع جنازه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها ببرند، جسم مرده آنها را نشان دهند و بگویند این اتفاقی است که بعضی‌وقت‌ها می‌افتد. پیامونزد که مرگ ترس ندارد. ترس از ماست که به بچه‌ها منتقل می‌شود. اگر ترسیم، آنها را هم می‌ترسانیم، باید به بچه‌ها راست گفت، با زبان ساده مسائلی را که گمان می‌رود از آنها سر در نیاورند توضیح داد. این خوب است که بچه‌ها را همیشه شاد بخوابیم اما پنهانکاری یا برخورد سرسری با سؤال‌های آنها دنیایی پر از شادی برایشان به ارمان نمی‌آورد. خیلی بد است آنها بداند اتفاق بدی افتاده خود هیچ‌کس نخواهد درباره آن اتفاق با آنها حرف بزند. دیروز مطلب اصلی صفحه نظرات سایت نیویورک‌تایمز به این سؤال اختصاص داشت که چطور درباره تروریسم با بچه‌ها صحبت کنیم. خوب است این فقدان در رسانه‌های ما و شبکه‌های اجتماعی جبران شود. در فیس‌بوک و کنار اینکه توی سرورگله هم بزیم که موضوع گرفتن درباره حملات بیروت انسانی‌تر است یا حملات پاریس. به هم کمک کنیم تا جواب خوبی برای بچه‌ها بیابیم. اینکه چطور از مسائل بزرگ به زبان ساده برایشان حرف بزنیم، جوری که درک کنند و دچار این حس نشوند که به دنیای خود راهشان نمی‌دهیم و تمام تلاشمان محصورکردن آنها در همان دنیای مصنوعی است که برایشان ساخته‌ایم. زندگی در دنیای واقعی را برایشان تا بزرگ‌شدنشان به تعویق می‌اندازیم. درحالی‌که آنها همین الان در دنیای واقعی حضور دارند و زندگی‌اش می‌کنند.

رودردرو

باسخ احمد پوری به فراخوان بیست‌وهشتم آبان برای حضور در کتابفروشی‌ها

راه آشتی مردم با کتاب هموار می‌شود

کتاب است. ✎ **شما از پیش‌کسوتان حوزه کتاب هستید در برنامه سال گذشته شرکت کردید. ارتباطی که مردم با شما برقرار کردند چطور بود؟** مردم می‌آمدند و از نزدیک با من حرف می‌زدند. خیلی‌ها حتی من را نمی‌شناختند اما فراخوان به آنها این انگیزه را داده بود که پنجشنبه را برای قدم‌زدن در مسیر کتاب‌فروشی‌های تهران وقت بگذارند و از نزدیک هنرمندان موردعلاقه خود را ببینند. چندنفری سؤالات تخصصی در مورد ترجمه پرسیدند، چندنفری درباره وضعیت کتاب سؤال کردند و گروهی هم بودند که می‌خواستند درباره موضوعاتی از من راهنمایی بگیرند. چنین فرصت‌هایی بهانه خوبی است برای ارتباط‌هایی از این دست. ✎ **شما مشکل جامعه ما را چه می‌دانید؛ نبودن**

پاسخ به فراخوان

هائیه توسلی: باید کتاب را تبلیغ کرد

شرق: هائیه توسلی، بازیگر سینما، از آن دسته هنرمندان عشق کتاب است؛ این را از پست‌های شبکه‌های مجازی‌اش می‌توان فهمید. ✎ **ایسن روزها که رسانه‌های مجازی و شبکه‌های اجتماعی بخش عمده‌ای از وقت مطالعه ما را به خود اختصاص داده‌اند، شما از کدام‌دست افراد هستید؛ آنهایی که به هر شیوه‌ای که باشد**

اهل مطالعه هستند یا گروهی که هنوز دوست دارند کتاب را به دست بگیرند و مطالعه کنند؟ شخصا دوست دارم کتاب واقعی را به دست بگیرم و بخوانم اما به‌رحال باید بپذیرم که زندگی مدرن در روزمره ما جا باز کرده و احتمالا به مرور کتاب‌خوانی اینترنتی، کتاب‌خوانی آنلاین و نسخه‌های پی‌دی‌اف جایشان را در فرهنگ کتاب‌خوانی باز می‌کنند.

✎ **نظر تان درباره فراخوان خرید کتاب که امروز (پنجشنبه) قرار است در کتاب‌فروشی‌ها اجرا شود، چیست؟ آیا فکر می‌کنید چنین فراخوان‌هایی بتواند در جامعه ما اثرگذار باشد؟** این‌روزها در جامعه چیزهایی می‌بینید که نشان از خلأ فرهنگی‌ما دارند. لحن برخی مردم در شبکه‌های اجتماعی، مدل حرف‌زدشان با هم‌دیگر در خیابان‌ها، فرهنگ ترافیک و فرهنگ زندگی در شهر همه‌ومه نشان از جای خالی کتاب در زندگی روزمره همه ما دارد. سؤالی که پرسیدید یک کتاب کلی است که برای جوابش باید کتاب نوشت اما وقتی که بخواهیم همین‌طور کلی دنبال جوابش باشیم، باید بگوییم که بله! جامعه کتاب‌خوان، جامعه فرهنگ‌محورتری از جامعه‌ای است که در آن کتاب کم خوانده می‌شود. پس شاید بشود خلأ فرهنگی‌ای را که در همه بخش‌های زندگی ما، نشانه‌ای به‌جا گذاشته با کتاب‌خواندن از بین برد یا مکرنگش کرد.

این‌روزها در جامعه چیزهایی می‌بینید که نشان از خلأ فرهنگی‌ما دارند. لحن برخی مردم در شبکه‌های اجتماعی، مدل حرف‌زدشان با هم‌دیگر در خیابان‌ها، فرهنگ ترافیک و فرهنگ زندگی در شهر همه‌ومه نشان از جای خالی کتاب در زندگی روزمره همه ما دارد. سؤالی که پرسیدید یک کتاب کلی است که برای جوابش باید کتاب نوشت اما وقتی که بخواهیم همین‌طور کلی دنبال جوابش باشیم، باید بگوییم که بله! جامعه کتاب‌خوان، جامعه فرهنگ‌محورتری از جامعه‌ای است که در آن کتاب کم خوانده می‌شود. پس شاید بشود خلأ فرهنگی‌ای را که در همه بخش‌های زندگی ما، نشانه‌ای به‌جا گذاشته با کتاب‌خواندن از بین برد یا مکرنگش کرد.

این‌روزها در جامعه چیزهایی می‌بینید که نشان از خلأ فرهنگی‌ما دارند. لحن برخی مردم در شبکه‌های اجتماعی، مدل حرف‌زدشان با هم‌دیگر در خیابان‌ها، فرهنگ ترافیک و فرهنگ زندگی در شهر همه‌ومه نشان از جای خالی کتاب در زندگی روزمره همه ما دارد. سؤالی که پرسیدید یک کتاب کلی است که برای جوابش باید کتاب نوشت اما وقتی که بخواهیم همین‌طور کلی دنبال جوابش باشیم، باید بگوییم که بله! جامعه کتاب‌خوان، جامعه فرهنگ‌محورتری از جامعه‌ای است که در آن کتاب کم خوانده می‌شود. پس شاید بشود خلأ فرهنگی‌ای را که در همه بخش‌های زندگی ما، نشانه‌ای به‌جا گذاشته با کتاب‌خواندن از بین برد یا مکرنگش کرد.

پیشنهاد

افسوس برای نرگس‌های جهان

است: «روایت‌هایی که نوشتنشان را در روزهای آغازین جنگ آمریکا علیه طالبان در افغانستان شروع کردم اما نه گزارش‌هایی از کنار جبهه‌ها و رزمندگان‌ش بلکه از کنار مردم و درون زندگی آنها. زندگی مردم در جنگ و پس از جنگ. زندگی مجاهدان و دیگر نیروهای جنگجو در جنگ و پس از آن، زندگی زنان و مردان معمولی و غیرمعمولی در جنگ و پس از آن. در خانه، خیابان، دانشگاه، مدرسه، محله‌های مدرن و ویران شده، زندگی مردم معمولی و غیرمعمولی از جمله سیاست‌مداران و فعالان اجتماعی... این کتاب یک گزارش میدانی می‌داند و عده‌ای آن را ۱۱ سپتامبر فرانسه می‌دانند، افغانستان است، روایت روزها و ماه‌هایی که با مردم این سرزمین زندگی کرده‌ام». دکتر محسن رنانی نیز درباره این کتاب به نکته مهمی اشاره کرده است: «کتاب را که می‌خوانی نمی‌توانی اشک نریزی؛ نه‌فقط برای هم‌وطنان افغان که در این سه دهه گذشتیم در ایران درس بخوانند و دانشگاه بروند؛ بلکه برای هم‌وطنان شیرازی و مازندرانی که با مردان افغان ازدواج کرده‌اند و پس از سقوط طالبان به امید راهی‌ای از تبعیض و در جست‌وجوی روزگاری بهتر و زندگی‌ای انسانی‌تر به افغانستان رفته‌اند و اکنون به علت اینکه حکومت ما فرزندان‌شان را ایرانی نمی‌داند، اجازه نمی‌دهد این مادران به‌همراه کودکان خود به وطن خویش بیایند و خانواده‌شان را ببینند». این کتاب ۳۰۴ صفحه‌ای فرصتی است برای آشنایی با اتفاقاتی که شاید در چندروز آینده نظیرش «دکتر محسن رنانی» و جمعی دیگر درباره اثر اثر نکاتی را مطرح کردند. بنی‌یعقوب در مقدمه نوشته

کتابی که گزارش‌های توصیفی، تحقیقی، میدانی و گزارش‌هایی از اشخاص آن گهگاه مایه داستانی پیدا می‌کند. اطلاعات بیشتر درباره دره پنجشیر، خانه احمد شاه مسعود، کوچه‌های کابل و هرات و مردمانش دنیایی است که کتاب پیش‌روی خواننده می‌کشد. به‌تازگی مراسم رونمایی از این کتاب در شهر کتاب اکباتان برگزار شد. «دکتر امین قانع‌یراد» و «دکتر محسن رنانی» و جمعی دیگر درباره اثر اثر نکاتی را مطرح کردند. بنی‌یعقوب در مقدمه نوشته کرده‌اند رخ دهد.



کیسو فغفوری

